

امروز قصد نگارش پاسخ نامه سین قوی شما را دارم که اتفاقاً نامه تازه شمار دریافت کردم
 بضمیمه قطعه‌ای شعر و متن الطیحه‌ت را تعلق در باره شعری که در اردیبهرد خوانده ام. البته باید بگویم نامه‌ای
 را که نشانی‌اش را درم گشته است باضمیمه که همگی من است تا نگارنده بهره و نیز از جای خود
 مخفی. شاید مجموعه اشعارتان را برای ضمیمه لایحه‌ای فرستادم و اما ایشان خود منظور شما را در ^{نامه} داشته
 و گویند نظرشان را در این باره برامان نوشته اند. اما درباره قطعه نوزدهم ما نیز از روز جشن ^{المللی}
 زبان ستوانیم بردار ستاره قرار دهم (البته با شما بعضی ابیات) و بلاخره درباره اینک زبانی
 گفته ام ادبیات حرفه من نیست لازم می‌گویم توضیحی درم. من خود را مقدم بر همه کی انقلابی و فضای
 میدانم و علقه من بر برنجی از رشته کسی دانش مانند نطفه ادبیات و تاریخ از این نظرگاه یعنی از
 نظرگاه جهان بینی مارکستی نیستی است. موقع خرابی من در گذشته انجام وظیفه من پر پاکان است
 جهان بینی مارکستی نیستی بود آرزوی من آنست که در آینده این وظیفه یعنی شایسته و عظیم
 این لفظ پر پاکان است که ما نیز از مروج ترجمه کنیم انجام دهم و یعنی خواهیم بر زندگی و شاعری را بنظم
 تکمیل نطفه و تاریخ پر از من و حال اند علقه پر شود خرد است با من چهار رشته همواره نگاه خواهیم داشت
 اینست که وقتی ما با ^{تاریخ} و یا با ^{ادبیات} (بوابه آشنا کنیم با خیر زبان) در صورت کشند بنظر من سر
 که مراد صابی که هستم و خواستار بودیم نمی‌گذرانند. افق مرا آنک و عرصه عمل را محدود می‌دانم و ^{من}
 یعنی آنخرف که نوشتیم «ادبیات حرفه من نیست». و اما امید ایجاد عمل به نگارش ^{شما} معتقد
 در این نسبت که آنک ما این همه ستوانیم در بز صلیح و در یکا بر ضد دشمنان بشریت که در آنجا دشمنان
 خلقهای مهین مانند شرکت درم. صیقل هم درباره شعر لایحه خود می‌گویم. سرودن اشعار کارهای
 که از دوران کودکی آغاز کرده ام و برگرد در زندگی اشکارا که از آن حفظ روحی می‌یابم که کرده ام

منتها در آن خبر و موی نوبه است. در آیم زندانی بودن من و کسی که اکنون خود را تالیه زحانی که
 بخاطر کوشش من دیده است نشان منیده (فضل الله کرکائی) ^{شاید} نشان منیده عم. در زندان ^{مجلس} بخش
 بزرگی از فائوست که از آلمانی که در زندان آموخته بودیم ترجمه کردم (برشتر بجای فارسی) و برخی شکهای
 نوزده صبح مردم که ~~بسیار~~ این ^{جسده} آهسته آهسته توانست خام بنشیند. در دوران فعالیت خری خود از این کار
 باز نیایم و گاه گاه در جرایم و محلات خری قطعاتی از سروده ما هم دریافت است. لذا سرودن من
 واقعاً نوبی نیست و سابقه طولانی دارد با آنکه ^{چنانکه روشن است} بزرگتر و توجه خاص داشته ^{الهام} شدم.
 و شعاری که اینبار در کتاب «شعای همان در راه صلح» بر وی چاپ شده بر حسب پیشتر خود آنها سروده شده
 و همین جهت از آنها است عنوان منظر ایران جنبه با مطرح روسی (odsoy) و نگاه اجمالی سر ایران
 دارد که چه است برای خواننده خارجی است. اینهم از خودم در پاسخ آنکه زمانی نوشته کمی هم از خودتان
 بنویسید. اینک در کتب و درم از فعالیت های اخیر ادبی شما جویندوم زیرا در برخی نامه های آن خوانی بود حاکی
 از اندیشه نگارش منظومات شعری. البته درام نویسی کار بجز خج و تعبیری است و من بیادش را
 خواهم شد اگر شاعر فعالیت نبری خود را فراخ تر ساخته و علاوه بر سرودن شعر نگارش درام هم بردارید.
 اجازه بصیغه مقام کم. بر فوج بیع سلام صمیمانه میسرانم. آذر شما سلام می گویم.

از ریافت نامه آن بی سرور خواهیم شد - پرودین

۱ - فوریه - ۱۹۵۲